

اعتراض نوکرمآبانه کشورها به انتقال پایتخت اسراییل دو صد گفته چون نیم کردار نیست

امیرفیض- حقوقدان

تصمیم آقای ترامپ درمورد انتقال پایتخت اسرانیل به بیت المقدس با نگرانی و اعتراض تقریباً عموم کشورها روبرو شده است؛ ولی نوع اعتراض **نوکرمآبانه** است و آن اعتراضی است که تنها برای دلخوشی نوکران است نه اعتراض جدی که به قبای ارباب بربخورد، برخی از این نوع اعتراض به اعتراض نه سیخ بسوزد نه کباب را یاد کرده اند.

حجم سیاسی اعتراض به اقدام آمریکا بسیار وسیع و فراگیر است؛ از کشورها؛ انگلستان و فرانسه و آلمان و اتحادیه اروپا و ترکیه و حتی روسیه و چین و مصر و از مقامات اقتداری جهان دبیر کل سازمان ملل و پاپ فرانسیس مخالفت خود را با تصمیم آمریکا اعلام کرده اند؛ ولی ماهیت این مخالفت ها ابراز نگرانی است یعنی انتقال حرف برای ترضیه خاطر مردم کشور و جهان است.

اعتراض عملی است که در جهت ابراز مخالفت گفتاری یا نوشته ای یا عمل واقدامی است با یک رویداد.

اعتراض سیاسی اگر همراه با عمل و یا اقدام نباشد نق زدن و پیاده کردن فکروعدم رضایت است که اصلاً کاربردی ندارد، مگر در محدوده کشورها، آنهم به اعتبار قوانین و بشرطی که نهاد حکومتی و رفتار اجتماعی آن کشور بر پایه رعایت حقوق بشر مستقر شده باشد.

از باب مثال میتوان به جنبش سبز در ایران اشاره کرد که مخالفت مردم بصورت عملی واقدامی که نمایانگر مخالفت بود درآمد.

نمونه هایی از اعتراض کشورها

❁❁ **ملک سلیمان پادشاه عربستان در تماس تلفنی با آقای ترامپ گفته است <این اقدام تحریک فاحش مسلمانان در همه جهان است>.**

اظهارات ملک سلیمان نظر است که بگوش ترامپ گفته است؛ مخالفت شناخته نمیشود، حتی مخالفت شخص خودش را هم شامل نمیشود بلکه پیش گونی است؛ یک سیاستمدار و مسنولی نمیتواند بر پایه پیشگونی اتخاذ تصمیم کند، وانگهی برداشتی که ملک سلیمان دارد ترامپ وهینت سیاسی او ندارند و اگر هم داشته باشند برای آمریکا قابل اهمیت نیست.

❁❁ **پادشاه اردن گفته است <تشکیل دولت فلسطین به پایتختی قدس حق فلسطینی هاست> شیره را خورد وگفت شیرین است.**

این یک نظر تاریخی است و اعتراض محسوب نمیشود زیرا یک متن تاریخی را بازگو کرده است و قشنگترین نوع اعتراضی است که کوچکترین گردو خاکی به سیاست ارباب وارد نشود.

عبدالله پادشاه اردن در مصاحبه مطبوعاتی باتفاق رئیس جمهوری ترکیه گفته است <حل مسئله اورشلیم باید بر عهده اعراب و اسرانیل باشد>.

این اظهار ملک عبدالله هم یک تعریف حقوقدانان سازمان ملل است که اورشلیم را مبنای اختلافات بین فلسطینی ها و اسرانیل میدانند.

وزیر خارجه ترکیه انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم را اشتباهی بزرگ نامید.

وزیر خارجه ترکیه اصلا مسئله شناسایی اورشلیم را بعنوان پایتخت اسرانیل فراموش کرده و فقط جای پای اسب را که انتقال سفارت است آنرا اشتباه دانسته است.

ایشان هم با تصمیم آمریکا مخالفت نکرده است بلکه آنرا اشتباه خوانده است که چه بسا خود وزیر خارجه ترکیه اشتباه کرده باشد؛ اشتباه خواندن یک توصیه؛ خیرخواهی است نه اعتراض بشمار میرود و نه مخالفت.

سید علی خامنه ای گفته است <این تصمیم از عجز و ناتوانی است> گرچه در اصل رواست که این ضرب

المثل را درباره او جاری ساخت (هرکه میگوید نان و پنیر توست را بگذار و بمیر) یعنی حد تواظهار نظر در این مورد نیست، ولی بهرحال تصمیم آمریکا را انالیز کرده و نه مخالفت است و نه اعتراض.

در همین میان فرمانده پاسداران تنها مقامی است که از تصمیم ترامپ استقبال کرده و گفته <فرمان ترامپ سبب خواهد شد که **بزودی ذخائر نظامی اسرانیل به حماس تعلق گیرد**> یعنی جمهوری اسلامی با موشکهایش اسرانیل را و ذخائر تسلیحاتی اسرانیل مال حماس شود؛ مصداق (بخشیدن گنجشک روی هوا).

جمال عبدالناصر هم روی تانک هایش نوشت <اسرانیل را به دریا میریزیم>.

جالب اظهارات محسن رضائی دبیر تشخیص مصلحت، از بی رنگی و بی بویی است؛ او گفته است <**اگر ترامپ از مسئله عقب نشینی نکند بعد از ریاست جمهوری تجارتش را از دست میدهد**>؛ (به شعور سیاسی حسرت باید خورد!! یارو دبیر مجمع تشخیص مصلحت هم هست) (بله دیگ بله چغندر).

وزیر خارجه آلمان <اقدام آمریکا سبب نا آرامی منطقه خواهد شد> ایشان هم به اقدام آمریکا اعتراض

مخالفت آمیز نکرده و تنها پیش بینی بروز نا امنی هائی را کرده است. پیش بینی هم نه مخالفت است و نه اعتراض.

چین ابراز نگرانی کرده است که اینهم اعتراض و یا مخالفت نیست.

وزیر خارجه انگلیس گفت: <با نگرانی اخبار در مورد اورشلیم را دنبال میکنم>. اینهم اعتراض

و مخالفت نیست اعلام یک کار اداری است.

*** دبیرکل سازمان ملل گفت «بیانیه آقای ترامپ چشم انداز صلح بین اعراب و اسراییل را خراب میکند».

ملاحظه میکند که ایشان هم که یک مقام رسمی است علامتی از مخالفت و اقدامات لازم برای جلوگیری از آن تصمیم دربیانش مشهود نیست.

*** پاپ فرانسیس هم باهمان عینگ وزیر خارجه انگلیس بموضوع نگاه کرده و گفته: «من نمیتوانم نگرانی عمیق از وضعیتی که در چند روز اخیر پیش آمده را پنهان کنم». یعنی کشک و تعارف معمول.

*** آقای رئیس جمهوری فرانسه هم گفت: «تصمیم آقای ترامپ برای شناسایی بیت المقدس بعنوان پایتخت اسراییل قابل تاسف است». قابل تاسف نه اعتراض است و نه مخالفت بلکه احساس اندوه نسبت به مورد و از مراتب شخصی است و ممکن است موقتی باشد.

*** خانم مرکل هم گفت: «از تصمیم رئیس جمهوری آمریکا حمایت نمیکنیم». عدم حمایت نه مخالفت است و نه موافقت و نمیتواند مانعی در راه تحقق خواست آمریکا در برسمیت شناختن اورشلیم ایجاد کند زیرا شرط فعلیت یافتن تصمیم ترامپ حمایت خانم مرکل نیست.

*** چین و روسیه هم نگرانی خودشان را از این تصمیم تازه که ممکن است باعث تنش بیشتر در منطقه شود اعلام کرده اند.

چین و روسیه هم نه عمل آمریکا را محکوم و نه مخالفت کرده اند بلکه نگرانی خودشان را از اینکه ممکن است تصمیم ترامپ باعث افزایش تنشها شود اعلام کرده اند یعنی اگر تصمیم ترامپ باعث افزایش تنشها نشود اشکالی ندارد و با اصل قضیه مخالفتی ندارند.

دستاورد فقط همدردی

نگاه اجمالی به اظهارات دولت ها و شخصیت های بین المللی نشان میدهد که هیچیک از آنها اعتراض و یا مخالفتی که آنها را مکلف به تعقیب و اقدامات بعدی سازد نکرده اند، و در حقیقت بهترین عنوانی که میتوان برای اظهارات آنها انتخاب کرد «همدردی» است.

باب مقایسه

یادمان هست تصمیم دولت آمریکا به ایجاد ممانعت برای تحصیل ویزای ورود ۷ کشور از آنجمله ایران به آمریکا با چه مخالفت هائی روبرو شد؛ آلمان و فرانسه ممنوعیت سفر اهالی ۷ کشور را به آمریکا محکوم کردند در حالیکه در مورد تصمیم اخیر ترامپ فرانسه فقط اظهار تاسف کرد و آلمان هم پیش بینی شدت مخاصمات فلسطینی ها و اسراییلی ها را نمود. سازمان های حقوق بشری جهان تصمیم ممنوعیت مهاجران ۷ کشور مسلمان را بشدت محکوم کردند و در مورد تصمیم اخیر انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم دخالتی نکردند.

دست‌آورد کلی

جریان اظهارات دولت ها و شخصیت ها نسبت به تصمیم اخیر دولت آمریکا نشان میدهد که کشورها نه تنها نسبت به تصمیم آمریکا مخالفت اساسی و عملی ندارند بلکه موافق هم هستند و اصلا تمایلی در جبهه گیری مقابل آمریکا آنهم به خاطر اسراییل را ندارند.

البته از سوی فلسطینی ها و یا مسلمانان کشورها ممکن است تظاهراتی بعمل آید ولی آنچه در روابط بین المللی موثر است اقدامات حقوقی کشورهاست که در این مورد کاملا مفقود است.

پیش بینی احتمالی

پیش بینی قضیه ممکن است اینطور باشد که در اثر درگیری مردم فلسطین با مامورین اسراییل گروهی فلسطینی کشته و زخمی شوند و بعد حسن نصرالله و کیهان تهران خبر از پیروی فلسطینی ها و شکست اسراییلی هارا با سروصدا اعلام کنند.

حقوق و تکلیف کشورها

ایستادگی و مخالفت در مقابل تصمیم اخیر دولت آمریکا بمراتب آسان تر از مخالفت با تصمیم آن دولت در جلوگیری از ورود شهروندان ۷ کشور مسلمان است؛ زیرا در مورد اول یعنی تصمیم اخیر دولت آمریکا به انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس کاملا مغایر قطعنامه های شماره ۴۷۸ و ۲۲۳۴ شورای امنیت است و کشورهای عضو سازمان به اعتبار قطعنامه های شورای امنیت که مورد تائید آمریکا هم قرار گرفته راهی قانونی در مقابل آنهاست یعنی دولت آمریکا نمیتوانسته برخلاف قطعنامه های شورای امنیت اقدام حقوقی و یا عملی نماید؛ و در کلام دیگر حتی قانونی که کنگره برای انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به اورشیم در سال ۱۹۹۵ تصویب کرده نمیتوانسته معارض با قطعنامه های شورای امنیت باشد؛ فراموش نکنیم که قطعنامه شماره ۴۷۸ در سال ۱۹۸۰ صادر شده است یعنی قبل از تصمیم کنگره، قطعنامه ۴۷۸ صادر شده بوده است.

توضیح بیشتر اینکه در سال ۱۹۸۰ دولت اسراییل بر اساس مرزهایی که خودش برای اورشیم در سال ۱۹۶۷ تعیین کرده بود اورشیم را بعنوان پایتخت اسراییل شناخت ولی بلافاصله شورای امنیت سازمان ملل عمل اسراییل را تقبیح و محکوم کرد و در آن قطعنامه تاکید کرد که اقدامات اسراییل برخلاف حقوق بین الملل است و برسمیت شناخته نمیشود. (ویکی پدیا)

تکلیف در مقابل کشورها

۴ کشوری که دارای حق خاص در شورای امنیت هستند (انگلیس فرانسه – روسیه و چین) ظاهرا با اقدام آمریکا مخالفند و آلمان که امروزه در کنار انگلیس و آمریکا و فرانسه در تصمیمات بین المللی قرار دارد آنهم به عبارت اظهارات، با تصمیم آمریکا مخالف است، و آنطور که خبرنگاران می دهد دبیرکل سازمان و بیشتر کشورهای جهان هم با تصمیم آمریکا ظاهرا مخالفند؛ خوب چرا تصمیم نادرست و مخالفت سیاست جهانی ترامپ که سازمان ملل و شورای امنیت هم بر آن صحنه گذاشته از مجرای اظهارات، خارج و در جریان اعتراضات حقوقی در مسیر سازمان ملل و شورای امنیت قرار نمیگیرد؟ برای اینکه کشورهای جهان خاصه انگلیس و فرانسه و آلمان نمیخواهند برخلاف خواست آمریکا اقدامی بعمل آورند.

ممکن است گفته شود که آمریکا وتو خواهد کرد؛ این قصاص قبل از جنایت است، شورای امنیت و کشورهای مربوطه باید به تکلیف خود عمل کنند؛ و اگر هم آمریکا از حق وتوی خود استفاده کند بی اعتباری و بی اعتمادی کشورها به آمریکا فصل جدیدی خواهد شد که تنها به حساب شخص آقای ترامپ منظور میگردد.

تصمیم کنگره آمریکا

تصمیم کنگره آمریکا به انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم چنانکه عرض شد در تاریخ ۱۹۹۵ اتخاذ شده است این زمان درحالی بوده است که در قطعنامه های شورای امنیت و اصول مادرید **تاکید مجدد بر حق فلسطین برای خودمختاری و استقلال در دولت فلسطین با پایتختی قدس شرقی شده است.** (نقل از مشروح قطعنامه)

قانون انتقال سفارت به اورشلیم

موضوع قابل توجه این است که در قانون انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم که در کنگره آمریکا بتصویب رسیده (۱۹۹۵) نامی و اشاره ای از برسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسراییل نشده است (تا آنجا که بنده توانستم بررسی کنم) تنها اجازه انتقال سفارت آمریکا را به اورشلیم داده است؛^۱ و این به معنای برسمیت شناختن ادعای اسراییل بر اورشلیم بعنوان پایتخت آن کشور محسوب نمیشود ولی یک هماهنگی سیاسی با ادعای اسراییل میتواند به حساب آید و شاید یکی از عللی که ۱۵ سال قانون مزبور اجرا نشده است همین مخالفت آن تصمیم کنگره، با قطعنامه های شورای امنیت سازمان بوده است؛ که آقای ترامپ آنرا به حساب اقتدار دولت خودشان به حساب آورده که گفته >این تصمیم باید ۱۵ سال قبل گرفته میشد<.

که در واقع میتوان گفت در ۱۵ سال قبل دولتهای آمریکا در عبور و نادیده گرفتن قطعنامه های شورای امنیت احتیاط میکردند ولی آقای ترامپ آن احتیاط را **لازم ندیده و شاید هم بتوان گفت در ۱۵ سال قبل هیچیک از روسای جمهوری آمریکا دامادی یهودی که متصدی روابط آمریکا و اسراییل باشد در بین مشاورانش نبوده است.**

تخطی تصمیم آقای ترامپ

بطوریکه همگان آگاهییم تصمیم آقای ترامپ متضمن دو قسمت است یکی برسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسراییل و دوم انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به اورشلیم که برای تسکین مردم جهان ابتدا گفته شد

¹- The **Jerusalem Embassy Act of 1995** is a public law of the United States passed by the 104th Congress on October 23, 1995. It was passed for the purposes of initiating and funding the relocation of the Embassy of the United States in Israel from Tel Aviv to Jerusalem, no later than May 31, 1999, and attempted to withhold 50 percent of the funds appropriated to the State Department specifically for "Acquisition and Maintenance of Buildings Abroad" as allocated in fiscal year 1999 until the United States Embassy in Jerusalem had officially opened. **The act also called for Jerusalem to remain an undivided city and for it to be recognized as the capital of the State of Israel. Israel's declared capital is Jerusalem, but this is not internationally recognized, pending final status talks in the Israeli-Palestinian conflict. The United States has withheld recognition of the city as Israel's capital.** The proposed law was adopted by the Senate (93-5), and the House (374-37).

Since passage, the law has never been implemented, because of opposition from Presidents Clinton, Bush, and Obama, who view it as a Congressional infringement on the executive branch's constitutional authority over foreign policy; they have consistently claimed the presidential waiver on national security interests. – From the law clipped by HC.

که انتقال سفارت لاقبل به عمر دولت آقای ترامپ بسنده نمیکند و بعد هم گفته شد که انتقال سفارت آمریکا بیش از ۶ ماه فرصت لازم ندارد و همین امروز به وزیر خارجه دستور انتقال سفارت داده شده است (شیره مالی سر مردم جهان).

تخطی تصمیم آقای ترامپ بر این پایه است که کنگره آمریکا نسبت به برسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل مصوبه ای صادر نکرده بلکه تنها با انتقال سفارت آمریکا موافقت کرده است؛ و اگر هم خلاف برداشت بنده مصوبه کنگره شامل برسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل باشد، این تصمیم کنگره نمیتواند واجد مشروعیت قانونی گردد زیرا خلاف قطعنامه شورای امنیت بوده است و در نهایت آقای ترامپ نمیتوانسته بر اساس مصوبه کنگره که خلاف تصمیم شورای امنیت است تصمیم مبنی بر رسمیت دادن به ادعای اسرائیل برای پایتختی اورشلیم اقدام کند.

این تحریر عقیده دارد که تصمیم به انتقال سفارت به اورشلیم آنقدر ها که اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل شناخته شود مهم نیست؛ زیرا تائید ادعای اسرائیل بر تمامی اورشلیم اولاً سبب سقوط حق تاریخی فلسطینی ها میشود که قطعنامه شورای امنیت **قسمت شرقی آنرا پایتخت فلسطینی ها میداند** و دوم به تمام تجاوزات و تعدیات به اراضی فلسطینی ها و شهرسازی ها و قطع درختان باغات فلسطینی ها که بامحکومیت های متوالی شورای امنیت مواجه شده بوسیله آمریکا حمایت و تائید شده است. **اشکال عمده در این است که اگر کشورهای جهان نسبت به این ترمرد آشکار اسرائیل و آمریکا واکنش جدی از طریق شورای امنیت نشان ندهند تصمیم آمریکا و اسرائیل نسبت به اورشلیم خاصه انتقال سفارت آمریکا در درازمدت قدرت حرکت حق فلسطینی ها بر اورشلیم و اعتبار قطعنامه های شورای امنیت را ضعیف و ذلیل میسازد.**

نکته ای درباره انتقال سفارت

هم اکنون یعنی قبل از تصمیم آقای ترامپ دولت آمریکا و همچنین کشورهای دیگر در اورشلیم کنسولگری دارند، فرق بین سفارت و کنسولگری در محدود بودن اختیارات و نیز حضور سفیر در سفارتخانه است یعنی در عمل اگر سفیر آمریکا از تل آویو به اورشلیم نقل مکان اداری کند و کارهای سفارت هم در کنسولگری آمریکا در اورشلیم انجام گیرد موضوع انتقال سفارت عملاً فراهم شده است، و این جریان در حالی صورت میگیرد که اساساً بحث انتقال پایتخت از تل آویو به اورشلیم هم مطرح نباشد.

آچه که بیک شهر امتیاز پایتختی میدهد وجود سفارتخانه های خارجی نیست بلکه مشروعیت تاریخی و قانونی است که سبب انتقال و جمع شدن سفارت های خارجی به آن شهر میشود، این تحریر میخواهد گفته باشد که اگر آقای ترامپ قائل به مشروعیت اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل نمیگردید، تصمیم به انتقال سفارت خانه آمریکا ممکن بود آنقدر مهم تلقی نشود؛ خاصه که در قطعنامه های شورای امنیت نامی از انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم دیده نمیشود. (پایان)